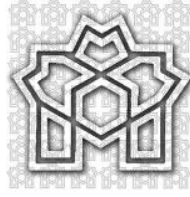


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه

بررسی مسئله شر بر مبنای کتاب «عنایت الهی و مسئله شر»

نوشته ریچارد سوئین‌برن

حمیده قتالی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر قاسم پورحسن درزی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عبدالله نصری

تیرماه ۱۳۸۹

گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها و تعهدنامه
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی مسئله شر بر مبنای کتاب (عنایت الهی و مساله شر) اثر ریچارد سوئین‌برن	
نویسنده/محقق: سیده حمیده قتالی	
مترجم:	
استاد راهنما: آقای دکتر قاسم پورحسن درزی استاد مشاور/ استاد داور: آقای دکتر عبدالله نصری	
کتابنامه:	واژه‌نامه:
نوع پایان‌نامه: بنیادی توسعه‌ای کاربردی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیل: تیر ۸۹
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات:	گروه آموزشی: فلسفه
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: ریچارد سوئین‌برن، مسئله شر، دفاع مبتنی بر اختیار، نظریه عدل الهی، عنایت الهی	
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی:	
Richard Swinburne, Problem of evil, the free will defence, theodicy, Providence	

چکیده:

«مسئله شر» یکی از مشکل‌ترین مسائل پیش‌روی اندیشه دینی است؛ به‌راستی، چرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض روا می‌دارد که آدمیان تا بدین اندازه متحمل رنج گردند؟ در پایان‌نامه حاضر، مسئله شر، انتقادهای مبتنی بر آن و برخی پاسخ‌هایی که در سنت الهیات مسیحی برای این مسئله مطرح شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش اعظم تحقیق حاضر، که ترجمه کامل دو فصل از کتاب «عنایت الهی و مسئله شر» نوشته ریچارد سوئین‌برن را نیز شامل می‌شود، به بررسی «نظریه عدل الهی» از دیدگاه این فیلسوف آکسفوردی اختصاص یافته است. سوئین‌برن در پاسخ به انتقادهای مبتنی بر مسئله شر می‌گوید که اراده خداوند بر آن قرار گرفته است که آدمی معرفت بیاموزد و عشق بورزد، اختیار داشته باشد که خود از میان خیر و شر آن‌که می‌خواهد را برگزیند، شخصیت خویش را بدان‌گونه که مایل است پرورش دهد، و مهمتر از همه، برای هموعان خویش مفید فایده باشد. برای این‌که تمامی این امور امکان تحقق داشته باشند، وجود شر در زندگی کوتاه آدمی در این جهان ضروری است.

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

مسئله شر یکی از مهمترین مسائل در اندیشه دینی است. این مسئله اشاره می‌کند که با وجود خداوند که دانای مطلق، قادر مطلق و خیریت محض است، وجود شر در عالم چه توجیهی دارد؟ به‌راستی چرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض روا می‌دارد که آدمیان تا بدین اندازه متحمل رنج گردند؟ مثال‌ها سنتی که به وجود خداوند قادر مطلق و غایت خیرها ایمان دارند، بر این باورند که خداوند جهان را خلق کرده است و به منظور تحقق اهدافی متعالی، همگی را در ید قدرت خویش قرار داده است. اما چنانچه خداوند چنین اهداف متعالی و خیری را مقرر کرده، چرا آنها را به آینده موکول نموده است؟ چرا ما هم‌اینک از آنها بهره‌مند نمی‌شویم؟ جهان آلوده است به شرها و شرهایی که به نظر می‌رسد خداوند (به واسطه رحمت لایزال خویش) اراده به پیش‌گیری از آنها داشته باشد و (به واسطه قدرت

مطلق خویش) به پیش‌گیری از آنها توانا بوده است. متالهان اذعان می‌کنند که خداوند نمی‌تواند برخی از نیات خیر خویش را برآورد، مگر آنکه تحقق برخی را به تاخیر بیاورد و برخی شرها را روا بدارد. در این پایان‌نامه سعی بر آن است که نظر یکی از فلاسفه دین مشهور به نام ریچارد سوئین‌برن، در مورد مسئله شر، مورد بررسی قرار گیرد و راه حل مناسبی برای این مسئله جستجو شود؛ هرچند، مسئله شر مسئله‌ای باز و یافتن راه حلی قطعی که مورد قبول ملحدین و خدا باوران باشد بسیار مشکل است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری بر منابع، چارچوب نظری، پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

این پایان‌نامه درصدد پاسخ به پرسش‌های متعددی است از جمله:

وجود شرور در عالم چه توجیهی دارد؟ آیا خداوند محق است که رنج‌هایی بر آدمیان و حیوانات روا بدارد؟

آیا خیری در پس این شرور نهفته است؟ و ...

فرضیه مورد نظر در پاسخ به این مسئله این است که خداوند به جهت تحقق اهداف خیر است که شرها را روا می‌دارد. درد به‌عنوان شری طبیعی، شفقت، همدردی و کمک و یاری جمعی را در پی دارد. تعداد خیرها بیشتر از شرور است تا جایی که این شرور نه‌تنها زیبایی جهان طبیعت را به هم نمی‌زنند، بلکه بر زیبایی‌های عالم می‌افزایند.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های

نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق این پایان‌نامه روش کتابخانه‌ای است. در تدوین این پایان‌نامه، چون تاکید بر مسئله شر از دیدگاه سوئین‌برن بوده است، سعی شده که بیشتر به بررسی نظریات این فیلسوف آکسفوردی در مورد مسئله شر پرداخته شود و در کنار آن از دیدگاه‌ها و راه‌حلهای فیلسوفان دیگر، نظیر پلانتینگا نیز کمک گرفته شده است.

ت. یافته‌های تحقیق:

سوئین برن در پاسخگویی به مسئله شر، به نظریه عدل الهی معتقد است. از نظر او در جهان امروز ارائه یک نظریه عدل الهی لازم است. منظور از نظریه عدل الهی، شرح دلایلی است که به سبب آن خداوند وقوع شر را مجاز دانسته است. از نظر او هیچ شری نیست، مگر اینکه خیری در پس خود داشته باشد و این امر که ما نمی‌دانیم آن خیر چیست، دلیل بر عدم وجود خیر نیست. خداوند براساس اصل صداقت، جهانی ساخته است که همگان در آن قادر بر کشف حقیقت هستند، فقط این خود ما انسان‌ها هستیم که باید جستجوگر حقیقت باشیم.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

سوئین برن از میان راه‌حل‌های مسئله شر نظریه عدل الهی را برمی‌گزیند و تلاش می‌کند تا شرحی از عللی که خداوند به واسطه آن وقوع شر را مجاز شمرده است، را بررسی کند و به نظر من توجیهات او در این کتاب و نیز مفاهیمی که برای روشن‌تر شدن موضوع شرح داده است به حل مسئله شر کمک زیادی می‌کنند. در پایان، لازم می‌دانم این توصیه را داشته باشم که برای تحقیق پیرامون یک موضوع و یا بررسی یک کتاب از کتب فلاسفه غربی، بهتر است به اصل کتاب‌ها مراجعه شود، نه به ترجمه آنها. مسئله شر، مسئله‌ای است که در فضای گروه‌های فلسفه در دانشگاه‌های کشورمان چندان مورد توجه لازم قرار نگرفته است؛ بنابراین تحقیق بیشتر پیرامون این مسئله را به خودم و علاقمندان توصیه می‌کنم.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما: جناب آقای دکتر قاسم پورحسن درزی سمت علمی: استادیار

رئیس کتابخانه: نام دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی

تقدیم‌نامه

پدرم صبوری و مادرم آرامش و تلاش برای زندگی را به من آموخت؛
خانواده همسرم، محبت را در حق من تمام کردند؛
محمد، همسرم، تنهایی‌ها، دوری‌ها و روزهای سخت ندیدن یسنا دخترمان را تحمل کرد تا این پایان‌نامه نوشته
شود؛

از ایشان اجازه می‌گیرم تا این پایان‌نامه را به یسنا تقدیم کنم؛ یسنایی که شرارت‌های شیرین و معصومانه‌اش
زندگی‌مان را شیرین، اما نوشتن این پایان‌نامه را سخت کرده بود؛

باشد که دخترمان ببالد و بیاموزد که دانستن میوه شیرین زندگی است...

سپاسگزاری

از استادان راهنما و مشاورم، آقایان دکتر پورحسن و دکتر نصری و تمامی استادان گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی که دانسته‌هایشان را، به رسم معلمی، بی‌اغماض در اختیار من و دیگر دانشجویان قرار دادند، متشکرم.

از پدر و مادرم که زندگی‌شان را، بدون اینکه چشم به سپاسی داشته باشند، وقف من و خواهرانم کردند تا فرصتی این‌چنینی برای سپاسگزاری از ایشان داشته باشم، ممنونم.

محمد، همسر، گاه بار زندگی‌مان را یک‌تنه بر دوش کشید تا فرصت درس خواندن و نوشتن برای من مهیا باشد؛ از خانواده محمد، به‌خاطر همه خوبی‌هایشان و از خود او، به‌خاطر شخصیت خوب و تلاش‌های همیشگی‌اش برای خانواده کوچک خودمان و خانواده بزرگ خودش، تشکر می‌کنم.

چکیده:

«مسئله شر» یکی از مشکل‌ترین مسائل پیش‌روی اندیشه دینی است؛ به‌راستی، چرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض روا می‌دارد که آدمیان تا بدین اندازه متحمل رنج گردند؟ در پایان‌نامه حاضر، مسئله شر، انتقادهای مبتنی بر آن و برخی پاسخ‌هایی که در سنت الهیات مسیحی برای این مسئله مطرح شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش اعظم تحقیق حاضر، که ترجمه کامل دو فصل از کتاب «عنایت الهی و مسئله شر» نوشته ریچارد سوئین‌برن را نیز شامل می‌شود، به بررسی «نظریه عدل الهی» از دیدگاه این فیلسوف آکسفوردی اختصاص یافته است. سوئین‌برن در پاسخ به انتقادهای مبتنی بر مسئله شر می‌گوید که اراده خداوند بر آن قرار گرفته است که آدمی معرفت بیاموزد و عشق بورزد، اختیار داشته باشد که خود از میان خیر و شر آن‌که می‌خواهد را برگزیند، شخصیت خویش را بدان‌گونه که مایل است پرورش دهد، و مهمتر از همه، برای هموعان خویش مفید فایده باشد. برای این‌که تمامی این امور امکان تحقق داشته باشند، وجود شر در زندگی کوتاه آدمی در این جهان ضروری است.

واژگان کلیدی: ریچارد سوئین‌برن، مسئله شر، دفاع مبتنی بر اختیار، نظریه عدل الهی، عنایت الهی

فهرست

فصل اول

۴	۱-۱- مقدمه.....
۵	۱-۲- مسئله شر.....
۷	۱-۳- انواع شر.....
۸	۱-۴- راه‌حل‌هایی برای مسئله شر.....
۱۶	۱-۵- دفاع مبتنی بر اختیار.....
۲۱	۱-۶- نظریه عدل الهی.....
۲۲	۱-۷- نظریه عدل الهی سوئین‌برن.....
۲۶	۱-۸- شرح حال ریچارد سوئین‌برن.....
۲۸	۱-۹- مروری بر آثار مهم سوئین‌برن.....
۳۴	۱-۱۰- خلاصه‌ای از فصول دوم و سوم پایان‌نامه.....
۳۴	۱-۱۰-۱- خلاصه فصل دوم.....
۳۸	۱-۱۰-۲- خلاصه فصل سوم.....
۴۴	۱-۱۱- فهرست منابع (فصل اول).....

فصل دوم: مسئله شر (ترجمه فصل اول از کتاب عنایت الهی و مسئله شر)

۴۵	۲-۱- مقدمه.....
۵۵	۲-۲- ضرورت نظریه عدل الهی.....
۵۵	۲-۲-۱- مسئله شر.....
۷۵	۲-۲-۲- آیا خدا باور باید برهانی برای اثبات موضع خود بیاورد؟.....

- ۳-۲- نظریه عدل الهی در آئین مسیحیت..... ۱۰۲
- ۳-۲-۱- دفاع مبتنی بر اختیار..... ۱۰۶
- ۳-۲-۲- هبوط..... ۱۱۱
- ۳-۳-۲- معیارهای دیگر نظریه عدل الهی..... ۱۲۰

فصل سوم: شرهای ضروری (ترجمه فصل سوم از کتاب عنایت الهی و مسئله شر)

- ۳-۱- واقعیت شر اخلاقی؛ و اختیار..... ۱۲۷
- ۳-۱-۱- مهار منطقی..... ۱۲۷
- ۳-۱-۲- دفاع مبتنی بر اختیار..... ۱۳۱
- ۳-۱-۳- مسئله پیچیده پلانینگ..... ۱۳۲
- ۳-۱-۴- وسوسه..... ۱۴۳
- ۳-۲- گستره شر اخلاقی؛ و مسئولیت..... ۱۴۹
- ۳-۲-۱- اصل صداقت..... ۱۵۰
- ۳-۲-۲- بدی نهفته در مسئولیت شخصی در قبال خود و تبعات ناشی از غفلت..... ۱۵۴
- ۳-۲-۳- بدی نهفته در مسئولیت در قبال دیگران..... ۱۶۵
- ۳-۲-۴- امیال محرک و امیال مانع..... ۱۷۳
- ۳-۲-۵- تنبلی و فساد..... ۱۷۹
- ۳-۲-۶- نتیجه (بحث اخیر)..... ۱۸۴
- ۳-۳- شر طبیعی و گستره پاسخ..... ۱۸۵
- ۳-۳-۱- پاسخ انسانی، به صورت احساس و عمل..... ۱۸۵
- ۳-۳-۲- واکنش انسانی [و نقش آن] در شکل گیری روح..... ۱۹۸

- ۳-۳-۳- واکنش حیوانات..... ۲۰۴
- ۳-۳-۴- گستره رنج حیوانات..... ۲۰۷
- ۳-۴-۳- شر طبیعی و امکان [حصول] معرفت..... ۲۱۱
- ۳-۴-۱- نیاز ما به دانستن اثرات خوب و بد اعمال خویشتن..... ۲۱۱
- ۳-۴-۲- یادگیری مشتمل است بر فرایندهایی طبیعی که خوبی و بدی را به بار می‌آورند..... ۲۲۳
- ۳-۴-۳- معرفتی که از رنج کشیدن حیوانات حاصل می‌شود..... ۲۳۱
- ۳-۵-۳- شرور گناه و لادری‌گری..... ۲۳۷
- ۳-۵-۱- ارزش امکان گناه..... ۲۳۹
- ۳-۵-۲- عقوبت در اینجا و در جهان دیگر..... ۲۴۲
- ۳-۵-۳- ارزش مذهبی شکست دنیوی..... ۲۵۲
- ۳-۵-۴- ارزش لادری‌گری..... ۲۵۴
- ۳-۵-۵- مزیت‌های مرگ انسان..... ۲۷۰
- ۳-۵-۶- تجسد خداوند در عیسی مسیح و کفار..... ۲۷۵
- ۳-۷-۳- نتیجه بخش سوم..... ۲۷۹
- ۳-۸-۳- ضمیمه: فهرست آثار سوئین‌برن، به ترتیب زمان انتشار..... ۲۹۶
- واژه‌نامه فارسی به انگلیسی..... ۲۸۲
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی..... ۲۸۹

ور نمی تانی رضا ده ای عیار گر خدا رنجت دهد، بی اختیار
که بلای دوست تطهیر شما است علم او بالای تدبیر شما است
(مولوی، مثنوی، دفتر سوم)

۱-۱- مقدمه

وجود شر درعالم، یعنی وضعیت‌های اموری که بر آدمی (و نیز جانداران دیگر) خوشایند نمی‌آید و آدمی رغبتی بدان‌ها ندارد، بلکه از آنها گریزان است را نمی‌توان انکار کرد. به‌راستی، چرا خداوندی که قادر و دانای مطلق است و ذات اقدسش جز رحمت و مرحمت نیست، روا می‌دارد که مخلوقاتش به شر گرفتار آیند؟ این سوالی است که به مسئله‌ای بنیادی در باور دینی دامن زده است که از آن به نام «مسئله شر» یاد می‌شود.

ریچارد سوئین‌برن^۱، متأله مسیحی و استاد فلسفه دین در دانشگاه آکسفورد، در یکی از کتاب‌های تاثیرگذار خود به نام «عنایت الهی و مسئله شر»^۲، به بررسی مفصل این مسئله دامن‌دار در اندیشه دینی پرداخته و تلاش کرده است پاسخ‌هایی برای آن ارائه کند. وی از میان راه‌حل‌های ارائه‌شده در سنت فلسفی مسیحیت، «نظریه عدل الهی»^۳ را برای پاسخگویی به مسئله شر برگزیده است. به‌اعتقاد وی «خداوند (که قادر به انجام هر امر منطقی‌ممکنی است، یعنی هر امری که توصیف آن مستلزم بروز تناقض نباشد) نمی‌تواند برخی از مقاصد خیر خویش را برآورد مگر آنکه تحقق برخی را به تأخیر بیندازد و برخی شرها را روا بدارد» (سوئین‌برن، ۱۹۹۸: x).

به‌نظر وی آنچه که خداوند برای آدمی مقرر کرده بسیار بیش از صرف التذاذ و آسودن از محنت‌ها است. وی برآن است که نشان دهد، اراده خداوند بر این بوده که آدمی شفقت بیاموزد، به اختیار انتخاب‌هایی جدی انجام

¹ Richard Swinburne

² Swinburne, R. (1998), 'Providence and the Problem of Evil', Oxford University Press, New York.

³ theodicy

دهد که نتایج آن برای خود و برای دیگران مهم و مؤثر باشد تا از این رهگذر شخصیت خود را شکل دهد و برای دیگران سودمند باشد.

در پایان‌نامه حاضر، دو فصل مهم از چهار فصل این کتاب به‌علاوه مقدمه مؤلف آن برای نخستین بار به فارسی ترجمه شده است. پیش از ارائه متن ترجمه اثر سوئین‌برن، ملاحظات و مقدماتی که از نظر مترجم گذشته است به اختصار بیان می‌شود.

۱-۲- مسئله شر

مسئله شر از زمان فلاسفه یونان، اپیکوریان و رواقیون، تا عصر حاضر، دست‌آویز ملحدان برای استدلال علیه وجود خداوند بوده است^۱ (ر. ک. بهرامی (۱۳۸۵)، وین‌رایت (۱۹۸۹). به‌طور خلاصه، مسئله شر را می‌توان به این صورت بیان کرد: «اگر خداوند قادر مطلق و عالم مطلق باشد، می‌تواند مانع بروز شر شود. اگر او خیر (خیرخواه) باشد، خواستار این امر است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که اگر خداوند وجود داشته باشد، هیچ شری نباید وجود داشته باشد. اما شر وجود دارد. پس آیا نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که خداوند وجود ندارد». (وین‌رایت، ۱۹۸۹). هیوم، با اشاره به قولی از اپیکور، چنین استدلالی در باب عدم وجود خداوند را روشن و قاطع توصیف می‌کند: «آیا او (یعنی خداوند) می‌خواهد از وقوع شر جلوگیری کند ولی نمی‌تواند؟ در این صورت، او ناتوان است. آیا او قدرت دارد ولی نمی‌خواهد؟ در این صورت، او بدخواه است. آیا او هم قادر است و هم می‌خواهد از شر جلوگیری کند؟ در این صورت شر از کجا زاده می‌شود؟» و «چرا اساساً شوم‌بختی

^۱ در جهان اسلام نیز گروهی به بحث و بررسی شرور پرداخته‌اند؛ از آن جمله‌اند: واصل‌بن عطاء، بنیان‌گذار فرقه معتزله، اخوان‌الصفاء، ابن‌سینا، لاهیجی، علامه طباطبایی، و ... (ر. ک.: بهرامی (۱۳۸۵)).

در جهان وجود دارد؟ مسلماً تصادفی در کار نیست. در این صورت، از علتی برمی‌خیزد. آیا از مشیت الهی نشأت می‌گیرد؟ اما او خیرخواه مطلق است. آیا برخلاف مشیت خداوند است؟ اما او توانای مطلق است. هیچ چیز نمی‌تواند استواری این استدلال را متزلزل سازد. [استدلالی] چنین کوتاه، چنین روشن، چنین قاطع...» (به نقل از سعیدی‌مهر، ۱۳۷۶).

پاره‌ای از منتقدان اندیشه دینی معاصر، از جمله ج. ل. مک‌کی، نیز مدعی هستند که مجموعه گزاره‌هایی همچون:

۱- «خداوند قادر مطلق است.

۲- خداوند دانای کل است.

۳- خداوند خیر (خیرخواه) محض است.

و

۴- شر وجود دارد.

با یکدیگر سازگاری ندارند و از آنجا که گزاره‌های صادق با یکدیگر سازگارند، نتیجه می‌گیرند که با وجود شر در عالم برخی اوصاف اصلی خداوند، که در گزاره‌های مجموعه مذکور آمده است، می‌باید کاذب باشد و خدای فاقد این اوصاف نیز، حتی در چشم متألهان، دیگر خدا به معنای واقعی کلمه نیست. بدین ترتیب، آنان چنین نتیجه می‌گیرند که خدایی، دست‌کم آن گونه که ادیان الهی تصور می‌کنند، وجود ندارد. (سعیدی‌مهر، ۱۳۷۶، و وین‌رایت، ۱۹۸۹).

۱-۳- انواع شر

در یک تقسیم‌بندی کلی، شرور به دو دسته شرهای طبیعی^۱ و شرهای اخلاقی^۲ تقسیم می‌شوند، که اولی شروری در نظر گرفته می‌شود که در عالم طبیعت رخ می‌دهد و دومی شروری است که به واسطه انسان پدید می‌آیند. لایبنتیز شر مابعدالطبیعی^۳ را نیز به این دو دسته افزوده است. «به باور لایبنتیز در میان منادها، خدای متعال تنها موجودی است که ممکن‌الوجود نیست و بقیه ممکن‌الوجودند و ممکن‌الوجود یعنی محدود‌الوجود و محدود‌الوجود یعنی ناقص‌الوجود و ناقص‌الوجود یعنی شریر‌الوجود» (بهرامی، ۱۳۸۵، همچنین ر. ک.: تبارصفر، ۱۳۸۴)، منظور لایبنتیز از شر مابعدالطبیعی همین عدم کمال^۴ موجودات است. در برخی تقسیم‌بندی‌ها نیز، شر طبیعی بلایایی طبیعی همچون زلزله، سیل و توفان و ... را شامل می‌شود و شرور جسمی^۵، همچون ترس، بیماری، اندوه و ...، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از شرور طبیعی معرفی می‌گردند.

برداشت سوئین‌برن از «شر اخلاقی» کلیه وضعیت‌های امور بدی را شامل می‌شود که «انسان‌ها عملاً مرتکب می‌شوند، درحالی‌که علم دارند که آنچه انجام می‌دهند بد و به‌خصوص اشتباه است (یا آنکه انسانها به خاطر غفلت از انجام دادن آنچه که باور داشته‌اند خوب و به‌خصوص اجباری است، روا داشته‌اند که [آن اعمال بد] رخ دهند) و نیز وضعیت‌های امور [بدی] که به واسطه این اعمال عمدی و یا غفلت‌ها، بنیاد گذاشته شده‌اند». منظور وی از «شر طبیعی» نیز «تمامی وضعیت‌های امور بدی است که انسانها سهواً مرتکب می‌شوند و یا رخ‌دادن آنها ناشی از غفلتی است که انسانها روا داشته‌اند». در نظر وی، تمامی تألمات ناشی از بیماری‌ها و تصادفات غیرقابل پیشگیری‌ای که انسانها در آن دخیل بوده‌اند، هوس‌های بد درون آدمی، وسوسه بهره‌مند شدن

¹ natural evil

² moral evil

³ Metaphysical evil

⁴ imperfection

⁵ physical evil

از خوبی‌های دنیا بیش از آنچه که سهم یک فرد است و دروغ گفتن و فریب دادن مردم به خاطر حفظ آبروهنگی از جمله شرور طبیعی محسوب می‌شوند. به علاوه، سوئین‌برن انجام دادن یک عمل بد در شرایطی که فرد مرتکب شونده به بد بودن آن آگاه نباشد را نیز شر طبیعی می‌داند (سوئین‌برن، ۱۹۹۸: ۵-۴)

۱-۴- راه‌حل‌هایی برای مسئله شر

جان لزیلی مکی، در مقاله‌ای تاثیرگذار به نام «شر و قدرت مطلق»^۱ با استناد به مسئله شر به انتقاد از باورهای دینی می‌پردازد. به نظر وی «تحلیل مسئله شر، علاوه بر این که نشان می‌دهد باورهای دینی فاقد تکیه‌گاه عقلانی‌اند، آشکار می‌سازد که آنها مسلماً غیرعقلانی‌اند؛ به این معنا که بعضی از اجزاء این نظریه عمده کلامی با اجزای دیگرش ناسازگاری دارد» (مکی، ۱۹۵۵).

پلانینگا (۱۹۷۴)، برای سنجیدن اعتبار چنین ادعایی، به بررسی تناقضی که در این نقل قول به باورهای دینی نسبت داده شده است می‌پردازد، تا مشخص سازد که آیا واقعاً چنین تناقضی در باور دینی وجود دارد. وی شرح می‌دهد که، به طور کلی، تناقض بر سه قسم است: صریح^۲، صوری^۳، و ضمنی^۴.

تناقض صریح هنگامی رخ می‌دهد که «در گزاره‌ای^۵ عطفی، یک جزء آن نافی یا ناقض جزء دیگر باشد»

(پلانینگا، ۱۹۷۴)، مثل ترکیب عطفی ذیل:

- یسنا دختر بیچه بازیگوشی است و کاذب است که یسنا دختر بیچه بازیگوشی است.

^۱ Mackie, J. L. (1955), "Evil and Omnipotence" from: *Mind*, Vol. LXIV, No. 254.

^۲ explicit

^۳ formal

^۴ implicit

^۵ کج‌نویسی مربوط به متن اصلی است.

مجموعه‌ای که **تناقض** صوری دارد، «مجموعه‌ای است که به‌مدد قوانین علم منطق می‌توان از اعضای آن تناقضی صریح را استنتاج کرد» (پلانینگا، ۱۹۷۴)؛ بدین صورت که، می‌توان با استفاده از قوانین منطق گزاره‌ای را از چنین مجموعه‌ای استنتاج کرد که وقتی آن را بدان مجموعه می‌افزاییم، مجموعه‌ای جدید پدید می‌آید که متضمن تناقضی صریح است، مثلاً قیاس زیر را در نظر بگیرید:

(۱):

۱- اگر تمام انسان‌ها فانی باشند، آنگاه سقراط فانی است.

۲- همه انسان‌ها فانی‌اند.

۳- سقراط فانی نیست.

این قیاس متضمن نوعی تناقض است، اما تناقضی صریح در آن مشاهده نمی‌شود. با استفاده از قاعده وضع

مقدم^۱ (یعنی: اگر p آنگاه q ؛ با فرض p نتیجه می‌شود q) گزاره زیر را می‌توان از قیاس فوق استنتاج کرد:

- سقراط فانی است.

با افزودن این گزاره اخیر به قیاس فوق، تناقضی صریح آشکار می‌شود؛ به این صورت که:

(۲):

۱- اگر تمام انسان‌ها فانی باشند، آنگاه سقراط فانی است.

۲- همه انسان‌ها فانی‌اند.

۳- سقراط فانی نیست.

۴- سقراط فانی است.

^۱ modus ponens

در **تناقض ضمنی**، قیاس متناقض نه تناقض صریح دارد، یعنی در آن گزاره‌ای ناقض گزاره دیگر نیست، و نه تناقض صوری، یعنی نمی‌توان با استفاده از قواعد منطق گزاره‌ای از آن استنتاج کرد که ناقض گزاره‌ای دیگر در همان قیاس باشد. با این وجود، تناقض ضمنی زمانی آشکار می‌شود که امکان نداشته باشد که تمام گزاره‌های یک قیاس با هم صادق باشند؛ به‌عنوان مثال، قیاس زیر را در نظر بگیرید:

(۳):

۱- یسنا از آرشا بزرگتر است.

۲- آرشا از حنا بزرگتر است.

۳- یسنا از حنا بزرگتر نیست.

چنان‌که مشاهده می‌شود، در این قیاس تناقض‌های صریح و صوری آشکار نیستند، اما گزاره‌ای همچون گزاره زیر وجود دارد که ضرورتاً صادق^۱ است:

- اگر یسنا از آرشا بزرگتر باشد، و آرشا بزرگتر از حنا باشد، آنگاه یسنا از حنا بزرگتر است.

و چنانچه این گزاره را به قیاس مذکور بیافزاییم، آنگاه قیاسی بدست خواهد آمد که متضمن تناقضی صوری است؛ یعنی به‌کمک قواعد منطق می‌توان گزاره‌ای از آن قیاس نتیجه گرفت که ناقض گزاره سوم از آن قیاس و در نتیجه، آشکارکننده تناقضی صریح در قیاس مزبور باشد.

^۱ قضیه‌ای ضرورتاً صادق (necessarily true) است که کذب آن ناممکن باشد یا صدق نقیض آن ممکن نباشد (پلاتینگا، ۱۹۷۴، در سلطانی و تراقی، ۱۳۷۴: ۱۷۸).

به نظر پلانینگا (۱۹۷۴)، منظور مکی از تناقض در باور دینی در قیاسی نظیر:

(۴):

۱- «خداوند قادر مطلق است.

۲- خداوند خیر (خیرخواه) محض است.

و

۳- شر وجود دارد.

تناقضی از نوع سوم، یعنی تناقض ضمنی، است؛ چراکه، «لازمه مقدمات [در قیاس مزبور] این است که اگر کسی هم خیر (خیرخواه) محض باشد و هم قادر مطلق، شر را به کلی از بین می‌برد. از این روی، دو گزاره "قادر مطلق وجود دارد" و "شر وجود دارد" با یکدیگر ناسازگارند» (مکی، ۱۹۵۵). به نظر پلانینگا (۱۹۷۴)، برای اینکه بتوان تناقض ضمنی این قیاس را نشان داد، گزاره‌هایی که به آن افزوده می‌شوند، براساس آنچه که پیش‌تر درباره تناقض ضمنی نقل گردید، باید گزاره‌هایی ضرورتاً صادق باشند. گزاره‌های الحاقی‌ای که مکی ارائه می‌کند به قرار زیر است:

(۵):

۱- فرد خیرخواه تا آنجا که بتواند شر را از میان بر می‌دارد.

۲- توانایی‌های قادر مطلق را هیچ حد و مرزی نیست.

پلانینگا (۱۹۷۴) شرح می‌دهد که برای آن‌دسته از متألهان (نظیر مارتین لوتر و دکارت) که معتقدند «قدرت خداوند نامحدود است و حتی به قید قوانین منطقی هم مقید نمی‌شود» مطرح کردن متناقض بودن قیاس (۴) اصلاً موضوعیت ندارد؛ «چراکه، مدعی‌اند خداوند به انجام محالات منطقی هم قادر است. بنابراین، حتی